



علی اکبر داور

در یادداشت‌های گلشاپیان

است که متأسفانه جلد دهم یادداشت‌های آن مرحوم را ندارم؛ اگر شما دارید یا چنان سیروس غنی جلد دهم یادداشت‌های دکتر غنی دارند، یک نسخه برای من بفرستید. چون در تهران یافت نمی‌شود. تهایت تشکر را دارم. سلام و عرض ارادت مرا به آقای سیروس غنی اگر ملاقات دست داد، ابلاغ کنید. با عرض ارادت مخلص شما عباسقلی گلشاپیان. متأسفانه برای من نوشتن به واسطه چنگ شدن انگشتان مشکل است – مجدداً از دور دست آن استاد را می‌بسم.

با تقدیم عرض ارادت – گلشاپیان»

درآورد. گلشاپیان هم از عهده‌ی این خدمت برآمده است. گلشاپیان در نامه‌ی مورخ ۱۴ فروردین ۱۳۶۹ (اول اوریل ۱۹۹۰) و نامه‌ی ۲۱ فروردین ۱۳۶۹ (۱۵ اوریل ۱۹۹۰) بد صاحب این قلم، در این باب چنین تصريح دارد:

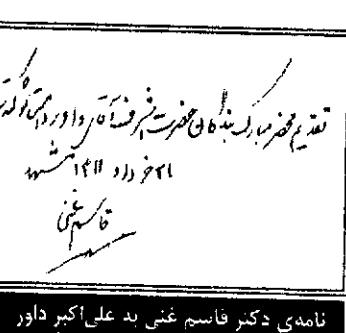
۱- نامه‌ی گلشاپیان مورخ ۱۳۶۹/۱/۱۴
«اول اوریل ۱۹۹۰ / ۱۴ فروردین ۱۳۶۹

استاد عزیز و سرور مکرم ، امیدوارم نامه‌ی اخیر من راجع به نظرات رضاشاه در آخر سلطنتش با انگلیسی‌ها ملاحظه فرموده باشید. نکته‌ای که اکنون من خواستم به اطلاع جنابعالی برسانم؛ در موقعی که مرحوم دکتر غنی در امریکا بود، از من خواستند اطلاعی راجع به مرحوم داور برای ایشان بنویسم. مخصوصاً در قسمت اتحار آن مرحوم، من اجابت کردم و یادداشت مفصلی را برای ایشان فرستادم. نامه‌ی این جانب جزء مجموعه یادداشت‌های مرحوم غنی چاپ شده؛ گویا در مجموعه دهم یادداشت‌های مرحوم غنی معروف عدیله‌ی نوین – را به رشته‌ی تحریر

۱- مدخل
نویسنده در کتاب تاریخ حقوق ایران از خدمات زنده‌یاد علی اکبر داور به عنوان بنیانگذار عدیله‌ی نوین ایران به تفصیل فصل سخن گفته‌ام (تاریخ حقوق ایران، صص ۵۳۱-۵۳۲) و در اینجا تکرار مکررات نمی‌کنم. غرض از این نوشتار مختصر، یادآوری مطالبی است که عباسقلی گلشاپیان (وزیر دارایی عصر رضاشاه و وزیر دادگستری عصر محمد رضا شاه) به خواهش دکتر قاسم غنی (وزیر فرهنگ و بهادری عصر محمد رضا شاه) درباره‌ی داور نوشته است که تنها بخشی از آن در یادداشت‌های دکتر

قاسم غنی چاپ لندن و تهران به چاپ رسیده است.

أرى، به شرح آنچه در همین شماره‌ی حافظ در بخش «نامه‌های ناموران» می‌خوانید، دکتر غنی در نامه‌ی مورخ ۷ تیر ۱۳۶۰ به گلشاپیان، از او خواسته است که شرح حال علی اکبر داور – پایه‌گذار خدوم و معروف عدیله‌ی نوین – را به رشته‌ی تحریر



نامه‌ی دکتر قاسم غنی به علی اکبر داور

۱۳۶۹ - ۳۱ آوریل ۱۹۹۰

پدر فریدریش هنریک پترزهای راجح نظرست خوش در توسل فرش بسیار
مدد و مهربانی داشت - نگاهی نیز در حرف افتد مرخون بطبع دعا کنم - در کنفرانس همه اکثر هنرمندان
اچهارمین دوره هنرمندانه همراه با محترم داده برگزار شد - هنرمندانه کنفرانس همراه با این همایه
که در همین هنرمندانه همراه بازیگرهای تئاتر هم تئاتر نامه ای برای هنرمندانه همراه بازیگرها
در جلسه هم این هنرمندانه همراه بازیگرها در تئاتر آزاد هم زمانی هم
نامه ای برای هنرمندانه همراه هنرمندانه همراه بازیگرها در تئاتر آزاد هم زمانی هم
هنرمندانه همراه بازیگرها در تئاتر آزاد هم زمانی هم
درست داد این نامه همراه بازیگرها در تئاتر آزاد هم زمانی هم
میتوانند همراه بازیگرها در تئاتر آزاد هم زمانی هم
بازیگرها در تئاتر آزاد هم زمانی هم

نامه‌ی عباسقلی گلشاپیان به سید حسن امین



از راست: حسین علاء، ابراهیم حکیمی، عباسقلی گلشاپیان

۳- نامه‌ی گلشاپیان مورخ ۱/۲۱
نامه را زیارت یک دنیا حقیقت آموخته با
صفا و صمیمیت بود. کاش در محضر جنابعلی
بودم و روزها از کلمات و بیانات ذی قیمت آن
استاد گران مایه بپرده مند می‌شد. افسوس که
دو بایم شکسته و روح و جسمم خسته، نه
رفیقی که اهل درد باشد و راز و حقیقت زندگی
آورد حز جان خط مشکیار دوست

۱۳۶۹ - ۳۱ آوریل ۱۹۹۰

استاد معظم و مکرم

آن بیک نامور که رسید از دیار دوست

آورد حز جان خط مشکیار دوست

پیر ماجرای مخصوص را از نزدیک مشاهده
کنند باری بیش از این تصدیع ننموده -
جون هنوز شاگرد مكتب آن استادم، سال‌ها باید
که در این مكتب قدم بزنم شاید با کمک ایزد
منان بتوانم قبول درگاه حق گردم. مرقوم
داشته بودید: «عده‌ای از خدا بی خبر دنیا م را
خراب و روح و جسم ما را خسته کرده‌اند» چه
می‌شود کرد؟ قضای آسمان است [این] ا و
دیگرگون نخواهد شد.

مرقوم داشته بودید اگر خاطره‌ای از مرحوم
دکتر غنی دارم، برای جنابعلی بنویسم.
متاسفانه باید عرض کنم همان طور که در یکی
از نامه‌هایش آن مرحوم نوشته بود خطاب به
اینجانب [این] نامه جزء نامه‌های دکتر غنی
چاپ شده است صفحه ۲۱۲ مرقوم داشته:
«حضورت مستطاب عالی چه خوب است
یادداشت‌های راجع به مرحوم داور را تپیه کیند
و بعد مرتباً یادداشت‌ها را مرقوم فرماید. اگر
موفق به ترتیب شرح حال میرزا تقی خان
امیرکبیر شوم، در مقدمه‌ی آن شرح حال
مرحوم داور را لازم خواهم داشت. از همین
حال در کار تهیه نسخه‌هایی برای بندۀ باشید و
شرح حالی از آن مرد بزرگ تهیه فرمایید.
قربانی شوم. قاسم غنی. به تاریخ ۷ تیر ۱۳۶۹
نیویورک.»

من برای امثال دستور آن مرحوم شرح
مفصلی از زندگی داور را به طور تفصیل نوشتم:
از آمدن به ایران پس از خاتمه‌ی تحصیل در
سویس و کالست ایشان و زندگی شخصی و
ازدواج با دختر مرحوم حاج محسن خان
مشیرالدوله و وزارت راه و سپس وزارت
دادگستری، بعد وزارت دارایی و انتحار ایشان
در سال ۱۳۱۵ شمسی.

این شرح را به موقع [برای دکتر غنی]
فرستادم، تعجب می‌کنم چطور جزء کاغذهای
مرحوم غنی نبوده است. بهر حال جون اخیراً
توسط آقای یارشاپور، دولت امریکا در صدد
تهیه‌ی دایرۀ معارف انسیکلو می‌باشد از این
جانب خواسته است راجع به [علی‌اکبر] داور
برای آن مؤسسه شرح کاملی بنویسم. مشغول
می‌باشم در صورت اتمام اگر خدا بخواهد و
عمرم کفاف دهد یک نسخه هم برای شما
خواهیم فرستاد. پیش از این زحمت نمی‌دهم.
متاسفانه اخیراً از نوشتن زاد محروم می‌باشم؛
چون انگشت‌ها چنگ شده و قادر به نوشتن
نیستم. از خداوند سلامتی و سعادت آن سورور
گرامی را خواهانم.



دکتر سید روس غنی

به زندگی داور که بنا بود چاپ کند و آن ها را
همراه بُرد به امریکا، چون آقای دهقان
(عبدالحسین خان) در نیویورک هم منزل بود.
من، بعد از فوت شدن از آقای دهقان خواستم برای
تکمیل نزد اینجانب بفرستم، ولی آقای دهقان
ظاهر ای اخلاقی کردند و بسیار متأسفم چون
بیکی دو سالی صرف تهیه ای آن شده بود، از
جناب آقای سیروس غنی پرسیدم، شاید
اطلاعی داشته باشدند. آقای باستانی پاریزی هم
در کتاب فرمانتروای عالم که به چاپ رسید
شرحی راجع به مرحوم دکتر غنی و معاشرتش
با مریم فیروز نوشته است. در ملاتی که قزوینی
مرحوم در تهران بود، شب های جمعه به منزل
یشان می رفت و مذکراتی که با ایشان کرده
جهه در جلساتی که در دربار با حضور شاه می شد
و چه در جلسات خصوصی منزل مرحوم
قزوینی تا زمان خوشن که من با ایشان بودم،
آدلاع دارم، اگر لازم بدانید شمهای از آن را
برای جنابعالی بنویسم، بهر حال دکتر غنی
مراد من بود من در مکتب آن مرحوم شاگردی
کردم؛ متهی استعداد کامل نداشتم چون که
هر برگ گلی سنبل و ریحان نشود.
من از مکاتبه با استاد سیر نمی شوم چه
کنم، دستم یارای نوشتن زیاد ندارد.
مولی یارت، حق نگهداروت باد، با عرض
ادب، قربانی:

گلشاپیان (امضاء)»

۴- مادداشت‌های گلشایان

من متأسفم که از تاریخی که راجع به داور
یادداشت می نوشتم برای کتابی که قرار بود به
کمک دکتر غنی مربوط به زندگی داور بنویسم،

From: Prof. G. Gallopin ا. جالوپن
From: Paris.
At: Sheykhani, West
1969. ١٩٦٩

من جلد دهم خاطرات دکتر غنی را ندارم، در تهران پیدا نمی‌شود، تصویر نمی‌فرماید یادداشت من نیز در جلد دهم خاطرات آن مرحوم درج شده باشد؟ اما از باب مطالی بخطه و محمد دکتر غز قسمت اعظم



علی اکبر داور (وزیر عدله) و عباسقلی گلشاییان (مدیر کل وزارت عدله) در مشهد در ۱۳۰۹ هجری مخدومی اسدی (نایب‌التلیه)

معاملات با خارج مداخله کند. داور متوجه بود که ثروت کشور، کشاورزی و دامپروری و سپس استخراج معدن است.

نتیجه‌نش به قدری روشن بود که موجب حسابات اشخاص گردید. او نظر داشت علاوه بر کوشش در ازدیاد تولید، در مصرف هم نظارات کند و برای این منظور یک برنامه‌ی هفت ساله ترتیب داده بود و مکرر می‌گفت من به شاه اظهار نموده‌ام که من هفت سال وقت می‌خواهم.

برای اجرای این نقشه بعد از آن اعصاب و توانایی‌ام قادر به ادامه‌ی خدمت نمی‌باشد ولی سعی دارم که در این مدت چند وزیر دارایی تربیت کنم که نقشه‌های مرا دنبال کنند.

افسوس که با این طرز تفکر که در دسته‌ای از مردم وجود دارد، ذهن شاه را مشوب کردن و این مرد وطن پرست به تمام معنا پرهیزکار و متقدی را در بحبوحه‌ی خدمت به جای تقدیر و تشویق، به روزی انداشتند و طوری به شاه القا کردند که داور نظریات سوئی به شاه دارد که این مرد جز انتشار برای حفظ آبرو و شرف خود چاره‌ی دیگری نمی‌دید.

نفت که امتیاز استخراج و بهره‌برداری قسمت شمال و شرق کشور به شرکت امریکایی استاندارد اویل نیوجرسی داده شود که بعد رضاشاه نظرش را تغییر داد و منکر اطلاع از فرارداد شد و داور بیچاره را مقصراً قلمداد نمود. در این یادداشت‌ها من دو موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهم:

یکی قضیه و فرارداد امتیاز نفت شمال و دیگری تفصیل آخرین ملاقات داور با رضاشاه که منجر به انتشار وی گردید. برای این که خوانندگان عزیز بیشتر به جریان کارهای داور آشنا شوند، باید شمه‌ای از نظریات داور و اقدامات او را بیان نمایم. با این که تحصیلاتش در رشته‌ی حقوق بود، ولی با مطالعه‌ی دقیق

سال‌ها گذشته، یادداشت‌های عمدۀ در نزد دکتر غنی بود که به امریکا رفت و در همانجا گفت کرد. با تحقیقی که من از پرسش سیروس نمودم و هم‌چنین از هم اتفاقی‌اش در امریکا عبدالحسین خان دهقان نمودم، یادداشت‌ها پیدا نشد. از آن تاریخ، سال‌ها گذشته و به واسطه‌ی گرفتاری‌های دیگر و شکسته شدن پاییم توانستم اطلاعات دیگری را با وجود کسالت پیری کنم، اینک تصمیم گرفتم با وجود کسالت پیری و چلاقی از هر دو پا و اوضاع آشفته‌ی فلی و تالم فراوان با وجود تشتبث خیال و ناراحتی اعصاب و کسالت مزاج برای فارغ شدن از وقایع روز تا آن اندازه که حافظه‌ام اجازه دهد، مطلبی راجع به مرحوم داور بنویسم.

من کسی بودم که در روزهای اول زندگی اداری خود با مرحوم داور در دادگستری آشنا شدم و با صمیمیت فوق العاده با ایشان کار کردم و کسی بودم که در روزهای آخر عمرش در وزارت دارایی که منجر به انتشار ایشان شد، با اوی همکاری داشتم و آخرین عضو وزارت دارایی بودم که در شب واقعه‌ی شوم خودکشی با ایشان خداخافظی کردم و ایشان عازم وزارت خانه شدند بارا پاراف و امضای قرارداد